

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر نوروزی  
۲۷ فبروری ۲۰۲۴

## تعمیق شکاف طبقاتی نتیجه ناگزیر نظام سرمایه داری

نگاهی به شرایط اقتصادی اکثریت مردم کشورهای مختلف جهان و گسترش مبارزات کارگران و ستمدیدگان خیر از نا رضایتی شدید توده ها به دلیل افزایش قیمتها و تشدید نا برابری و گسترش شکاف طبقاتی می دهد. این واقعیت چنان آشکار است که حتی در گزارشی که اخیرا موسسه خیریه آکسفام (Oxfam) در روز دوشنبه ۲۵ دی ماه منتشر نمود هم بروشنی دیده می شود.

آکسفام که یکی از بزرگترین سازمان های بین المللی با ادعای کمک رسانی برای از بین بردن فقر و گرسنگی و بی عدالتی می باشد در پی تشدید نا برابری های اقتصادی در جوامع گوناگون در گزارش اخیر خود از دهه شکاف نام می برد و به شکاف یا اختلاف طبقاتی که تقسیم نا عادلانه ثروت در جهان را تشدید کرده است، اشاره می کند. با توجه به اهمیت این آمار، در این مطلب به گوشه هایی از آن در جهت نشان دادن تعمیق اختلاف طبقاتی در چند کشور اشاره می کنیم. در قسمتی از این گزارش چنین آمده است که در طی چند سال اخیر: " دارائی پنج ثروتمند بزرگ جهان دست کم دو برابر شده و از سوی دیگر حدود پنج میلیارد نفر از جمعیت جهان فقیرتر شده اند" آکسفام پیش بینی می کند که "ظرف ۱۰ سال آینده ثروت یک نفر به تریلیون دالر خواهد رسید در حالی که برای مبارزه با فقر ما حداقل به ۲۰۰ سال زمان نیاز داریم." همچنین آکسفام به گزارش مجله مالی فوربس، در نوامبر سال ۲۰۲۳ اشاره کرده و اضافه می کند که "در مجموع دارائی ثروتمندترین میلیاردیهای جهان در مارس ۲۰۲۳ به حدود ۸۶۹ میلیارد دالر رسید که حدود ۳۴۰ میلیارد دالر بود، سالانه حدود ۱۵۵ درصد افزایش نشان می داد".

با استناد به گزارش بالا، تفاوت فاحش فقر و ثروت را در جهان سرمایه داری کنونی که میلیارد ها انسان از کارگران، زحمتکشان، ستمدیدگان و..... را به ورطه نیستی و نابودی کشانده است به روشنی می توان دید و پی به عمق فاجعه در جهان امروز برد. حال اگر نگاهی کوتاه به شرایط اقتصادی و معیشت توده ها در بعضی از کشورهای سرمایه داری بیندازیم ، بخصوص در دو دهه گذشته، اختلاف طبقاتی عمیقی را که زندگی انسان های زحمتکش را با ترس، نگرانی، ناامیدی و بسیاری از درد ها و معضلات دیگر در هم آمیخته را به آشکاری می بینیم.

اکنون نگاهی کوتاه به کشور المان، بخصوص بعد از سپری شدن همه گیری کرونا و سپس کمک های مالی و نظامی هنگفت به کشور اوکراین و اکنون به اسرائیل، بیندازیم . در اینجا متوجه تشدید نا برابری و افزایش شکاف طبقاتی و اوج گیری نا رضایتی مردم، می شویم. درست به این دلیل است که روزی نیست که این کشور، با اعتصابات و

اعتراضات سراسری مواحه نگردد. یک نمونه برجسته را می توان تظاهرات اخیر کشاورزان، علیه سیاست های ریاضتی از جمله علیه طرح لغو معافیت های مالیاتی مثال زد. در این اعتراضات، کشاورزان مبارز و زحمتکش، جاده ها و خیابان های اغلب شهرهای المان را بند آوردند. آنها با حمایت و پشتیبانی بر حق و بی دریغ مردم، تظاهرات گسترده ای را در کشور بر پا کردند. کشاورزان خواستار پایان دادن به سیاست های سودجویانه و استثمارگرانه طبقه حاکم که جانشان را به لب رسانده، بودند. همچنین در طی ماه های گذشته به دلیل پائین بودن سطح دستمزدها، شاهد اعتصابات و اعتراضات چشمگیر کارگران و کارکنان حمل و نقل مانند اتوبوس رانی، راه آهن، فرودگاه ها و بنادر المان، بودیم. اینها از بزرگترین اعتصابات دهه های اخیر بوده است که نظم موجود را تکان داد. اعتصاب کننده ها با حمایت و پشتیبانی اتحادیه های کارگری در کل خواهان افزایش ۱۰ تا ۱۲ درصدی دستمزدهایشان بودند. واقعیت این است که این روزها اعتصابات کارگران و کارکنان حمل و نقل و اعتصابات کارگری در دیگر بخش های کارگری در المان هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و مردم بیشتری را به عرصه مبارزه با نابرابری، اختلاف طبقاتی و استثمار بی حد و حصر به خیابان ها می کشاند. تداوم این وضع شرایطی را در جامعه المان به وجود خواهد آورد که کارل مارکس، اقتصاددان، فیلسوف و اندیشمند انقلابی مطرح کرده است. او نوشت: "جامعه از توازن متغیر نیروهای متضاد ساخته می شود. بر اثر تنش ها و کشمکش های این نیروها، دگرگونی اجتماعی پدید می آید".

واقعیت این است که سیاست های سودجویانه و استثمارگرانه که ذاتی نظام سرمایه داری می باشد، پدیدآورنده شکاف طبقاتی گسترده ای در جامعه می باشد و کشور سرمایه داری المان جدا از آن نمی تواند باشد. در اینجا بدلیل مقدر نبودن اشاره و بررسی همه مشکلات و فشارهایی که امروز بر مردم المان تحمیل گردیده تنها به برشمردن بعضی از آنها اکتفا می کنیم تا به گستردگی فقر و تعمیق شکاف طبقاتی و عمق فاجعه ای که این کشور را در بر گرفته بیشتر پی ببریم. افزایش صف های طولانی برای دریافت غذای رایگان، افزایش دزدی از فروشگاه ها، افزایش زباله گردی در شهرها، حذف یا کم کردن هزینه های زندگی مردم، فقر در عین اشتغال تیزتر بسیاری از روزنامه ها می باشد. آمار بالا رفتن جنایات، آمار بالا رفتن اختلالات روانی در مردم، گرانی بی سابقه، بالا رفتن سرسام آور اجاره خانه، نارضایتی بازنشستگان از حقوق ناچیزشان، نارضایتی پرستاران و کارکنان در بیمارستان ها بدلیل فشارهای بی حد کاری، کمبود نفقات و دستمزدهای کم، بالا رفتن سرسام آور هزینه های درمانی، آمار بالا رفتن افسردگی، اعتراضات معلمان، پرستاران و دیگر قشرهای زحمتکش، افزایش روز افزون تعداد گدایان در شهرها، افزایش کم سابقه هزینه های آب، برق و گاز، بالا رفتن قیمت آپارتمان ها، افزایش سن بازنشستگی به ۶۷ سال و غیره و در چنین اوضاعی رشد روز افزون نیروهای دست راستی در جامعه. اینها شاخص های وضع کنونی جامعه المان می باشند. بنابراین بی دلیل نیست که امروز یاس، ناامیدی، اعتصاب، ترس از آینده و نگرانی های دیگر را در جامعه می توان بطور عریان شاهد بود.

روزنامه المانی، فرانکفورتر آگماینه در رابطه با اوضاع کنونی جامعه می نویسد: "المان کشوری است که تفاوت ها و اختلافات طبقاتی و اجتماعی در آن بسیار بالا بوده و خیلی بیشتر از دیگر کشورهای اروپایی به چشم می خورد. اکثر المانی ها اعتقاد دارند که اختلاف طبقاتی در کشورشان بالا بوده و در آینده نیز بیشتر می شود".

در ادامه این مقاله تاکید می شود که: "در حالی که طبقه پائین و متوسط جامعه المان شدیداً به بازار کار و دستمزدهایشان وابسته هستند اما طبقه بالای اجتماع با تکیه بر دارائی های زیاد، خود را از این وابستگی جدا کرده اند". نگاهی هر چند مختصر به کشور سرمایه داری امریکا نیز آشکار می کند که شکاف طبقاتی در این کشور روز به روز گسترش بیشتری پیدا می کند. در اینجا نیز شاهد فروریختن طبقات پائین جامعه در مرداب فقر و تباهی هستیم. چنانچه در اواخر سپتامبر سال جاری میلادی در وب سایت "بیزنس اینسایدر insaider"

امریکا گزارش داده می‌شود که: "ثروت خالص ۱۵ نفر از خانواده‌های ثروتمند امریکائی مجموعاً رقمی معادل ۶۱۸ میلیارد دلار است این در حالی است که از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۸ میلادی، رشد درآمد ۵۰ درصد از خانواده‌های امریکائی اساساً صفر بوده است". همانطور که میدانیم در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی با اجرای سیاستی که به نئولیبرالیسم معروف است، ساختار اقتصادی این کشور دستخوش تغییرات بسیاری شد به طوری که ثروت بیشتر در اختیار سرمایه‌داران و یا ثروتمندان قرار گرفته و شکاف طبقاتی بیشتری بر زندگی مردم بخصوص مردم کم درآمد و زحمتکش تحمیل شده است. تبلور این وضع در اعتصابات و اعتراضات کارگری، فقر، گرانی، بیکاری و مشکلات عدیده دیگری که امروز در کشور امریکا بطور آشکار رایج است کاملاً قابل تشخیص است. از جمله می‌توان به اعتصابات بخش درمانی (سلامت) به تاریخ ۴ اکتبر سال ۲۰۲۳ در ویرجینیا و ناحیه کلمبیا اشاره کرد. در این اعتصاب بیش از ۷۵ هزار نفر از کارمندان که شامل پرستاران، دستیاران بهداشت، سونوگرافست‌ها، تکنسین‌های بخش رادیولوژی، جراحی، داروسازی و غیره بودند، شرکت کردند. از خواسته‌های این اعتصاب بالا بردن دستمزدها، خواست اصلی اعتصاب‌کنندگان بود. به طور کلی، حداقل دستمزد ساعتی ۲۵ دلار و قرار داد چهارساله شامل دو سال افزایش ۷ درصدی و دو سال ۶/۲۵ درصدی از خواسته‌های اتحادیه‌های حمایت‌کننده از این اعتصاب بود.

از اعتصابات دیگر در امریکا می‌توان از اعتصاب کارگران و کارکنان ۲۰۰ فروشگاه استارباکس که بیش از ۵۰۰۰ نفر در آن مشغول کار می‌باشند، نام برد. اعتصاب کارگران استارباکس یکی از بزرگترین اعتصابات در سال گذشته در امریکا بوده است. کارگران و کارکنان این فروشگاه‌ها خواستار افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار و دسترسی به مزایای بیشتری می‌باشند. همچنین اعتصاب کارگران جنرال موتورز، فورد و استلانتیس در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۳ قابل ذکر هستند که بیش از ده هزار کارگر در آن شرکت کردند. این اعتصابات در دهه گذشته، اولین اقدام بزرگ کارگری در صنعت خودرو سازی امریکا بوده است. بالا بردن دستمزدها، بهبود مزایای بازنشستگی و مرخصی و بهبود شرایط کاری از خواسته‌های اصلی کارگران بوده است. در جریان این اعتصابات به تدریج کارگران همانطور که لنین آموزگار پرولتاریا تأکید نموده فرا می‌گیرند که کل طبقه حاکمه و دولت حامی آنرا آماج ضربات خود قرار دهند. گفته لنین چنین است: "هر اعتصاب این درک را در کارگران تقویت و تکامل می‌دهد که حکومت، دشمن‌شان است و طبقه کارگر می‌باید خود را برای مبارزه علیه حکومت و برای حقوق توده‌ها آماده نماید. اعتصاب به کارگران یاد می‌دهد تا متحد شوند، به آنها نشان می‌دهد که صرفاً زمانی قادرند علیه سرمایه‌داری بجنگند که متحد باشند، به آنها می‌آموزد که به مبارزه کل طبقه کارگر علیه کل کارخانه‌داران و علیه حکومت استبدادی پلیسی فکر کنند. به همین دلیل است که سوسیالیست‌ها اعتصاب را «مدرسه جنگ» می‌نامند". درست در جریان اعتصابات و اعتراضات کارگری در امریکا شاهدیم که موضوع گسترش فقر و تعمیق شکاف طبقاتی بحث زیادی را در بین طبقات فرو دست دست جامعه و برخی طبقات دیگر دامن زده است. این در شرایطی است که بر اساس گزارش‌های منتشره بیش از ۴۷ میلیون نفر از مردم امریکا زیر خط فقر زندگی می‌کنند که در نیم قرن اخیر بی‌سابقه بوده است. بی‌شک گسترش فقر و فلاکت یکی دیگر از پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر و دردناک در سیستم‌های سرمایه‌داری در جهان می‌باشد که بیانگر شکاف طبقاتی هر چه بیشتر در جامعه می‌باشد.

مواردی مانند عدم داشتن مسکن مناسب، عدم دسترسی به تغذیه کافی و مناسب، فحشاء، فقر بهداشتی، بی‌خانمانی و دردهای بی‌شماری که در اثر فقر و سختی زندگی زبان‌های جبران‌ناپذیری را در بر دارد همگی نمایانگر چهره زشت و کریه سیستم سرمایه‌داری است که اساس آنها به استثمار و کسب سود استوار است. در همین زمینه فیلیپ آلستون، گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در دسامبر ۲۰۱۷ به بررسی فقر در امریکا پرداخته در طی بازدید دو هفته‌ای خود

از این کشور به ۲۰ مورد از فقر اشاره کرده است که در اینجا برای آشنائی با ابعاد شکاف طبقاتی در امریکا فقط به ذکر ۲ مورد آن بسنده می‌کنیم. در مورد اول فیلیپ آلتون چنین می‌نویسد: "من در جریان سفر با مردمانی دیدار کردم که به سختی در محله بی‌خانمان های لس آنجلس زندگی می‌کردند. من پلیسی را در سانفرانسیسکو دیدم که به گروهی از افراد بی‌خانمان گفت چادرهایشان را جمع کنند اما وقتی گفتند کجا برویم، پاسخی نداشت. من مناطقی را در ایالات مختلف امریکا دیدم که دولت های محلی تامین خدمات بهداشتی برای این مناطق را جزو وظایف خود نمی‌دانستند. من افرادی را دیدم که دندان‌های در دهان برایشان باقی‌نمانده بود زیرا ارائه خدمات بهداشت دهان و دندان جزو برنامه های مبارزه با فقر در این کشور قرار ندارد. به من خبر دادند که بر اثر اعتیاد در مصرف مواد مخدر نرخ مرگ و میر و طلاق و فروپاشی خانواده ها افزایش یافته است". در مورد دوم، وی چنین می‌نویسد: "بر اساس آمارهای رسمی جمعیت کارتن خواب های امریکا بیش از نیم میلیون نفر برآورد شده است یعنی از هر ۵۰۰ آمریکائی یک نفر در خیابان می‌خوابد در نیویوریک ۷۶ هزار کارتن خواب وجود دارد. حتی آمار واقعی از این آمار بیشتر است. کارتن خواب ها همه جا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. آنها حتی خواب راحتی ندارند و در معرض سرما، گرما و انواع سختی ها قرار دارند." لازم به توضیح است که آمار و گزارش های واقعی چیزی فراتر از آمار و گزارش مربوط به گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل می‌باشد.

از کشورهای دیگر که شکاف طبقاتی در آن بیداد می‌کند می‌توان به ایران اشاره کرد. امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی در عمر ننگین ۴۵ ساله خود، مدافع منافع سرمایه داران غارتگر و استثمار وحشیانه کارگران و توده های رنج‌دیده ما بوده و طبق گفته اقتصاددانان خودشان، شکاف طبقاتی و فقر در طی سال های گذشته دو برابر شده است. واقعیت این است که حرص و آز سرمایه داران زالو صفت سبب شده که امروز شرایط بسیار دشوار و غیر قابل توصیف برگرده کارگران و زحمتکشان و اکثریت مردم ایران تحمیل گردد. در چنین شرایطی در حالیکه اکثریت کارگران و ستمدیدگان در فقر و فلاکت به سر می‌برند تمرکز ثروت در جیب سرمایه داران زالوصفت هر روز انباشته تر می‌گردد. این همان واقعیتی است که خسرو گل‌سرخ شاعر، نویسنده و مبارز انقلابی طی دفاعیات خود در بیدادگاه های رژیم شاه به آن اشاره نمود. گل‌سرخ در دادگاه گفت: "مارکس می‌گوید: در یک جامعه طبقاتی ثروت در سویی انباشته می‌شود و فقر و گرسنگی و فلاکت در سویی دیگر". در واقعیت امر، در حالیکه مولد ثروت طبقه محروم است اما ثروت در دست سرمایه داران زالو صفت جمع می‌شود.

در جامعه ایران، سیاست های دیکته شده از طرف جهانخواران بین‌المللی و موسسات وابسته به آنان مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با نام خصوصی سازی و یا گسترش تجارت آزاد و غیره باعث تشدید استثمار کارگران و تجمع ثروت در نزد سرمایه‌داران داخلی و خارجی گشته است. بر این مبنای هر روز بر انبوه توده های گرسنه و فقیر افزوده می‌شود، به طوری که سیاست های نئولیبرالیستی و به عبارت دیگر امپریالیستی بیش از نیمی از مردم ما را به زیر خط فقر کشانده است.

در سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، سرمایه داران بخشی از حقوق کارگران را قبضه کرده و در سر موقع به آنها نمی‌پردازند. در مواردی حقوق های معوقه بیش از ۲۰ ماه از سوی سرمایه داران زالو صفت به کارگران پرداخت نشده است. در اکثر مواقع هم اعتراض کارگران به چنین وضعی با اخراج آنان پاسخ داده می‌شود، امری که باعث گسترش هر چه بیشتر ارتش میلیونی ذخیره کار می‌گردد. شکاف طبقاتی بین کارگران مولد ثروت و زحمتکشان از یک سو و سرمایه داران غارتگر و زالو صفت از سوی دیگر، گسترش و رشد روزافزون کارتن خوابی و گورخوابی را در کشوری که روی ثروت بی‌کران ذخایر نفت بنا گردیده اجتناب نا پذیر کرده است. تبلیغ فروش خون، چشم، کلیه و سایر

اعضای بدن برای رفع گرسنگی بر روی دیوارهای شهر به یک پدیده عادی تبدیل گردیده است. شکاف طبقاتی امر فحشاء در جامعه را حتی به سطح کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۲ ساله کشانده است. بنا براین با چنین فجایعی که فقط به گوشه ای بسیار کوچکی از آن اشاره شد، سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران که وابسته به امپریالیسم می باشد، زندگی اکثریت مردم را به ورطه نیستی و نابودی کشانده شده و سرنگونی رژیم جهانی جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری در ایران را به هدف مبارزات توده ها تبدیل نموده است. در چنین شرایطی صفی از نیروهای راست، رفرمیست، چپ نما، سازشکار، اصلاح طلب و غیزه قد علم کرده و از برابری از طریق اجرای حقوق بشر و در چهارجوب سیستم سرمایه داری دم می زنند. اینان، در واقع خواهان برابری صوری در مقابل قوانین استثمارگرانه و جنگ طلبانه دولت های سرمایه داری هستند. در صورتی که واقعیت چیز دیگری می باشد. برابری واقعی جز از راه الغاء طبقات ستمگر نمی تواند امکان پذیر باشد. همانطور که تجربه در کشورهای اروپائی نشان می دهد هر قدر هم که قوانین این دولت ها همه جانبه تدوین گردیده باشد و انسان ها در مقابل آن قوانین به طور رسمی مساوی باشند برابری واقعی بدست نخواهد آمد چرا که فقط با از بین بردن مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن وسایل تولید، زمینه برای ایجاد جامعه ای برابر و عادلانه فراهم می گردد.

در خاتمه باید تأکید کرد که شکاف عمیق طبقاتی که امروز در ایران و جوامع سرمایه داری وجود دارد، نتیجه احتساب ناپذیر به جیب زدن ارزش اضافی حاصل از کار و رنج کارگران می باشد. از این رو است که ثروت های بیکران در دست سرمایه داران خون آشام متمرکز می شود و زندگی اکثریت مردم جهان به نابودی کشانده می شود. از آنجا که طبقه کارگر آن نیروی اجتماعی می باشد که وظیفه تاریخی مبارزه با طبقه سرمایه دار برای رسیدن به سوسیالیسم را عهده دار می باشد باید با همه نیرو در جهت سازمانیابی سیاسی و اقتصادی این طبقه برخاست. طبقه کارگر تنها نیروی انقلابی است که با همراه کردن توده های تحت ستم دیگر با خود قادر است سرمایه داران وابسته و اربابانشان که صاحب سرمایه، کارخانه ها، ماشین سرکوب، زندان ها و اطاق های فکری برای فریب و استثمار توده ها می باشد را از بین ببرد. این قدرت طبقه کارگر است که سرانجام به واقعیت دردناک و وحشیانه شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی خاتمه می دهد و سوسیالیسم و زندگی شایسته انسانی را به ارمغان می آورد.

زنده باد انقلاب! پیروز باد کمونیسم!

دی ماه - جدی - ۱۴۰۲